

با سلام و عرض ادب، آزاده هستم از آمریکا...

پیامهای کوتاه: شماره‌ی ۱

برگرفته از غزل ۲۰۲۱ / مولوی / دیوان شمس:

صُبْحَدَم شُد، زود بَرخیز ای جوان
رَخْت بَرَبند و پَرَس در کاروان

نَفْسِ شومَت را پُکُش، کانِ دیوِ توست
تا ز جَبِیت سَر بَرآرد حوریان

بی‌شک وقت آن رسیده که هشیاری در تجربه‌ی هستی، از خوابِ ذهن بَرخیزد؛ که اگر دیر شود، می‌بینی کاروانِ زندگی رفت و تو در خانه‌ی ذهن، به پایان رسیدی! پس توجهِ آزاد را از رویِ «دیو» بردار تا دل، سَر از لامکانِ عشق درآرد.

وقتی هُشیاری، تمامیِ اعمالی که او را در ذهن به «حرکت» در آورده، به «شناسایی» رساند... مثل کینه، نگرانی، حسادت، خواسته‌های نَفسانی پی در پی، ترس، رنجش، حس گناه، زندگی در گذشته و آینده، پشیمانی و... و... دگر درگیرِ حرکاتِ نَفْسِ دُرُوغینِ خود نمی‌شود؛ لذا، هشیاری از زمانِ بپا شده در ذهن، آزاد می‌گردد.

☀️ با به پایان رسیدنِ زمان در ذهنِ خاکی، جَرَقه‌هایی همچو «نور»، به ضمیرِ پاکِ دل راه می‌یابد؛ که از برکتِ آن انوار، هشیاری یکِ یکِ ناخالصی‌ها را «می‌بیند» و از تمامیِ آنها رهایی می‌یابد.

با سپاس و احترام